

بررسی تفسیری زمینه‌های انسان‌شناختی بشارت‌های قرآن به بهشت

سعیده معظم*

محمود حاجی‌احمدی**

چکیده

قرآن کریم، کتابی جامع و جاودانه است و برنامه‌های تربیتی خود را در قالب آیات و شیوه‌های متنوع و متناسب با نیازها، امیال و ویژگی‌های انسان، ارائه کرده است. اتخاذ شیوه‌های متفاوت از قرآن کریم، به‌منظور پرورش فضائل و اجتناب از رذایل و ارائه راهکارهای صحیح تربیتی، از ضرورت‌های جامعه اسلامی است. یکی از این شیوه‌ها انذار و تبشیر است که در این شیوه به‌وسیله اعلام خطر کردن و بیم‌دادن در مورد عواقب کارهای بد و نیز مژده‌دادن و تشویق در مورد پیامدهای نیک رفتارهای خوب، انگیزش لازم برای اجتناب از کارهای حرام و مکروه و انجام کارهای واجب و مستحب در انسان ایجاد می‌شود. بررسی ارتباط میان تبشیرهای قرآن به بهشت و زمینه‌های انسان‌شناختی رفتار، مسئله مورد پژوهش در این تحقیق است. دستاورد این پژوهش آن است که خدای حکیم، این‌گونه بشارت‌ها را با توجه به زمینه‌ها و عوامل درون‌فردی و برون‌فردی مؤثر بر انگیزه‌های رفتاری در انسان ارائه نموده است تا به این وسیله انسان‌ها برای دستیابی به یک الگوی مناسب تربیتی و طی مراحل تکامل و سعادت، از آن بهره‌گیری کنند.

واژگان کلیدی

تفسیر تربیتی، آیات تبشیر، بشارت به بهشت، زمینه‌های انسان‌شناختی.

*. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف قرآن دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان (نویسنده مسئول).

s.moazzam1360@gmail.com

m.hajjahmadi@ltr.ui.ac.ir

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱۷

طرح مسئله

آفرینش جهان هستی از سوی خدای متعال کاملاً حکیمانه و هدفمند است. پروردگار مهربان در راستای تربیت انسان انبیای الهی را برگزید و آنها را به روش‌های مناسب تربیتی مجهز نمود. آنها نیز در جهت نزدیک ساختن انسان به ذات لایزال الهی از هیچ کوششی دریغ نکرده و از این روش‌های گوناگون برای سوق دادن مردم به سوی سعادت و برانگیختن آنها به انجام بعضی اعمال یا پرهیز از برخی اعمال دیگر مدد جستند.

یکی از این روش‌های تربیتی و اصول هدایتی «تبشیر» است. تبشیر یا تشویق کردن، بخش مهمی از انگیزه‌های تربیتی انسان را تشکیل می‌دهد و از آنجاکه انسان باید برای انجام کارهای نیک، تشویق شود؛ استفاده از این روش در برنامه تربیتی پیامبران قرار گرفته است.

باید به این نکته نیز توجه کرد که برای انجام یک عمل و تحقق یک رفتار در انسان، باید شرایطی فراهم باشد. بخشی از این شرایط تحت تأثیر انگیزش‌های درونی فرد ایجاد می‌شود و او با بهره‌گیری از آنها به ایده‌ها و خواسته‌هایش جامه عمل می‌پوشاند. در روان‌شناسی این عوامل، به زمینه‌ها و عوامل درون‌فردی مؤثر بر رفتار معروف است و به نیازها، شناخت و احساسات و همچنین امیال و غرایز تقسیم می‌گردد.

افزون بر آن وجود شرایطی خارج از وجود انسان او را به انجام برخی کارها وامی‌دارد که به این شرایط، ابزار و وسایل، زمینه‌ها و عوامل بیرونی مؤثر بر رفتار گفته می‌شود (شجاعی، ۱۳۸۵: ۷۲) و به سه دسته جاذبه‌ها و مشوق‌ها، پیامدها و الگوها تقسیم می‌شود.

آیات نورانی و روشنگر قرآن با تبشیر به هدایت مردم می‌پردازد. این آیات در صدد تقویت انگیزه حرکت تکاملی انسان است، چراکه انسان به مقتضای غریزه حبّ ذات، در پی جلب منفعت است.

برخی از بشارت‌های قرآن، بهشت و نعمت‌های آن است اما آنچه که با تدبّر در اوصاف و ویژگی‌های مطرح‌شده برای آن بر ذهن متبادر می‌شود، این است که چرا و براساس کدام‌یک از زمینه‌های انسان‌شناختی، بهشت با چنین ویژگی‌هایی بشارت داده شده است؟ بر این اساس برخی از آیات قرآن که خدای متعال در آنها، انسان را به بهشت و نعمت‌های آن، بشارت داده است؛ مورد توجه قرار گرفته‌اند و هماهنگی و انطباق آنها با نیازها، امیال و ویژگی‌های انسان بررسی گردیده است.

توجه قرآن به ویژگی‌ها، نیازها، امیال و غرایز مختلف انسان در ارائه برنامه‌های تربیتی ضروری به‌نظر می‌رسد؛ زیرا انسان‌ها در حوزه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری، انگیزه‌های متفاوتی دارند که این انگیزه‌ها موجب بروز رفتارهای گوناگون از آنها می‌شود. بدیهی است که اگر آیات قرآن، از جمله آیات انذار و تبشیر متناسب با این گرایش‌ها و انگیزه‌ها باشند، بهره‌گیری از آنها و طی مراحل تکامل نیز آسان‌تر خواهد شد.

یکی از موارد تبشیر در قرآن، بهشت است که خدای حکیم با ذکر اوصاف و ویژگی‌های خاصی آن را بشارت داده است. بررسی ارتباط میان بشارت‌های قرآن به بهشت و زمینه‌های انسان‌شناختی رفتار، مسئله مورد بررسی این مقاله است.

بهشت و نعمت‌های آن

خدای عادل در آیات قرآن بهشت را به عنوان مورد پاداشی که مؤمنان از آن بهره‌مند خواهند شد، معرفی نموده است. آیه ۲۵ بقره و آیاتی نظیر ۲۳ و ۲۴ رعد، ۵ فتح، ۱۱ و ۱۲ حدید و ۲۳ ابراهیم اوصاف و ویژگی‌هایی را برای آن بیان می‌کند که در دو بخش جداگانه به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

نعمت‌های بهشتی ناظر بر زمینه‌ها و عوامل درونی مؤثر بر رفتار

۱. ارتزاق از میوه‌های بهشتی

بهشتیان هرگاه به هر رزقی از میوه‌های بهشتی که می‌رسند، می‌گویند: «این همان است که قبلاً هم روزیمان شد»، (بقره / ۲۵) هرچند که بعد از خوردن، متوجه طعم جدید و لذیذ آن می‌شوند اما در هر حال این آشنایی با سابقه نعمت‌ها، بر لذت کامیابی آنها می‌افزاید.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

انواع میوه‌ها در بهشت وجود دارد و افراد درحالی که روی تخت‌ها تکیه داده‌اند، از هر نوعی که میل داشته باشند، استفاده می‌کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸ / ۱۶۰)

آری مؤمنان از طرفی هر آنچه را که در بهشت به آنها داده می‌شود با چیزی که از دنیا با خود برده‌اند شبیه می‌بینند و از سوی دیگر محرومیت‌هایی که به جهت رعایت حرام و حلال در این دنیا نصیبشان شده بود را در آخرت جبران شده خواهند دید. همچنین همه بهره‌ها و پاداش‌هایی که از سوی خدای مهربان به آنها می‌رسد از نظر خوبی و زیبایی با هم برابر هستند و نمی‌توان یکی را بر دیگری ترجیح داد و این نکته از عبارت «وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا» استنباط می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۴۱)

نکته حائز اهمیت این است که ذکر این گونه نعمت‌ها در توصیف بهشت به دلیل آن است که افراد معمولاً برای اراضاء نیازهایشان، رفتارهایی را انجام می‌دهند، به گونه‌ای که می‌توان گفت که یکی از عوامل اساسی مؤثر در رفتار، نیازها هستند. نیاز عبارت است از حالت محرومیت، فقدان و کمبود در ارگانیزم، مانند کمبود غذا، آب و اکسیژن یا به طور کلی کمبود هر حالتی که برای استمرار و ادامه حیات

یک موجود زنده ضرورت دارد. (براندن، ۱۳۸۰: ۴۱)

اگر نیازها به مدت طولانی برآورده نشوند، عدم تعادل فیزیولوژیکی یا روانی ایجاد شده و فرد نیاز به آب، غذا، اکسیژن یا هر چیز دیگری را که برای ادامه حیات او ضرورت دارد، در خود احساس می‌کند. بعد از این که احساس نیاز کرد، برانگیخته می‌شود و دست به رفتار هدف‌گرا می‌زند. (شجاعی، ۱۳۹۱: ۱۰۶)

به‌همین دلیل برخی معتقدند که خود نیاز از آنجاکه به اصطلاح فلاسفه، یک امر عدمی و نوعی نداشتن و نیستی است، نمی‌تواند عامل فعالیت انسان باشد بلکه احساس نیاز است که عامل فعالیت انسان می‌شود؛ یعنی وقتی انسان احساس نیاز کرد، میل به داشتن و یافتن آن در انسان فعال می‌شود و درواقع منشأ تأثیر، علاقه‌ای است که انسان به غنی دارد و می‌خواهد نیازش رفع شود. (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۶: ۲ / ۱۳۱)

انسان‌ها، نیازهای متعددی دارند که برخی از آنها از حالت‌های فیزیولوژیکی و برخی از ساختارهای روانی نشأت می‌گیرند. از آنجاکه این نیازها از هنگام تولد در انسان وجود دارند به آنها نیازهای اولیه گفته می‌شود. در مقابل این نیازها، نیازهای ثانویه قرار دارند که انسان پس از تولد و از طریق تعامل با دیگران آنها را می‌آموزد. به‌همین دلیل به آنها نیازهای اکتسابی نیز گفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که نیازهای اساسی انسان به سه دسته نیازهای فیزیولوژیکی اولیه، نیازهای روانی اولیه و نیازهای ثانویه و اکتسابی تقسیم می‌شوند. بر اساس آموزه‌های دینی، امیال و غرایز جزء بسیار مهم انگیزه‌ها و انرژی‌دهنده رفتار هستند. چنان‌چه در روایات آمده است؛ امام صادق علیه السلام برای بیان کارکرد امیال و غرایز خطاب به مفضل می‌فرماید:

ای مفضل! در کارهایی که برای انسان قرار داده‌اند یعنی خوردن و خوابیدن و رفتارهای جنسی و آنچه در آنها تدبیر شده است، نیک بیندیش! برای هر یک از آنها در نفس آدمی محرکی آفریده شده که مقتضی آن است و آدمی را برای انجام دادن آن برمی‌انگیزد. گرسنگی مستلزم خوردن است که از آن زندگی و استواری بدن تأمین می‌شود. خستگی و خواب‌آلودگی مقتضی خفتن است که با آن بدن آسایش پیدا می‌کند و نیروها دوباره جمع می‌شود. افزایش شهوت محرکی بر رفتار جنسی است که دوام و بقای نسل وابسته به آن است و اگر انسان چنان بود که از راه شناخت نیازمندی بدن به خوراک، به خوردن رو می‌کرد و در طبع وی میل و غریزه‌ای وجود نداشت که او را به این کار وادار کند، احتمال آن بود که از سنگینی و کسالت، گاه در این کار چندان سستی کند که تنش تحلیل رود و هلاک شود ... پس نیک بنگر! که چگونه خدا برای هر یک از این افعال که قوام و دوام انسان و مصلحت او در آنها است، محرکی از خود طبیعت قرار داده است تا او را به این کار برانگیزد و به طرف آن بکشد. (مفضل بن عمر، بی‌تا: ۷۵)

آنچه که با دقت در این روایت به دست می‌آید، آن است که امام علیه السلام به نقش و کارکرد امیال و غرایز در رفتار اشاره و تصریح نموده‌اند که انگیزه، ترکیبی از نیاز، آگاهی از آن و تمایلات فرد به رفتار را نشان می‌دهد. یکی از امیال و انگیزه‌های اصلی رفتار انسان، میل و انگیزه لذت‌طلبی است. انسان ذاتاً موجودی لذت‌طلب است و میل به کام‌جویی، رفاه و سعادت‌خواهی در او گستره وسیع و فروع گوناگونی دارد و در همه دوره‌های زندگی به عنوان یک نیروی محرک رفتار او را برمی‌انگیزاند. این میل به قسمت‌های مختلفی تقسیم می‌شود که یک بخش از آن به بدن انسان مربوط می‌شود. مانند غریزه تغذیه، غریزه جنسی و ... که زمینه نوعی از لذت‌ها را برای انسان فراهم می‌آورد. لذتی که انسان از این راه کسب می‌کند؛ فطری و غیراختیاری است، به همین دلیل نمی‌توان گفت که خوب است یا بد.

در قرآن مجید آیات بسیاری در مورد میل به خوردن و آشامیدن وجود دارد. (بقره / ۵۷ و ۶۰ و ۱۸۷؛ مائده / ۸۸؛ انعام / ۱۴۱؛ اعراف / ۳۱ و ۱۶۰؛ حج / ۵۸؛ طلاق / ۱۱)

از آنجاکه این سنخ از آیات، معمولاً در مقام گوشزد کردن نعمت‌های الهی به انسان‌اند؛ بر فطری بودن لذت و لذیذ بودن نعمت‌هایی که مورد توجه و یادآوری این آیات قرار گرفته‌اند، نیز اشعار دارند. (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۸: ۲۵۶)

باید گفت که خدای حکیم با توجه به دو عامل نیاز به تغذیه و میل به لذت‌جویی که از عوامل درونی مؤثر بر رفتار هستند؛ ارتزاق از میوه‌های جدید و لذیذ بهشتی را به انسان بشارت داده است. (بقره / ۲۵؛ نحل / ۱۴)

۲. همسران پاکیزه بهشتی

یکی دیگر از خصوصیات بهشت آن است که همسرانی پاک و پاکیزه به ازدواج اهل آن درخواهند آمد: «وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ» همسرانی که: «از همه قذارت‌ها و مکارهی که مانع از تمامیت الفت و التیام انس می‌شود؛ چه ظاهری و خلقتی و چه باطنی و اخلاقی طهارت دارند». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۲۹)

آنان به همسران خود می‌گویند: «به عزت پروردگرم سوگند! در بهشت چیزی را بهتر از تو سراغ ندارم. سپاس مخصوص خداوند است که مرا همسر تو و تو را همسر من قرار داده است». (کاشانی، ۱۳۳۶: ۹ / ۱۲۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۳۱۵)

و مطابق فرمایش امام صادق علیه السلام: «زنان بهشتی جسم و بدن و جان و روحی پاک دارند و از حسد و ناپاکی‌های دیگر اخلاقی (که زنان دنیا را ناراحت و گرفتار می‌سازد) بی‌راسته‌اند». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸ / ۱۳۹)

نکته‌ای که لازم است به آن دقت شود آن است که: «تنها وصف بیان‌شده برای همسران بهشتی در این آیه، وصف «مُطَهَّرَةٌ» است و اشاره به آن دارد که نخستین و مهم‌ترین شرط همسر، پاکی و پاکیزگی او است و بقیه چیزها، از این صفت تأثیر می‌پذیرند». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۴۳)

البته در آیات دیگر قرآن کریم ویژگی‌های دیگری برای زنان بهشتی از جمله جوانی و شادابی، (واقعه / ۳۴) دست نخوردگی و شیفستگی، (الرحمن / ۵۶) چشمان سیاه و درشت (الرحمن / ۷۲؛ واقعه / ۲۲) و ... بیان شده است. همچنین از ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز درباره این ویژگی‌ها روایاتی نقل شده است. از جمله در روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است:

حورالعین در بهشت برای همسران خود آواز می‌خوانند و می‌گویند: ما حورالعین زیبا هستیم. خداوند این زنان زیبای سیه‌چشم را برای مؤمنان و بزرگواران آفریده است. (متقی هندی، ۱۴۰۱: ۱۴ / ۵۱۸)

همچنین روایت شده است که روزی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به پیرزنی از قبیله اشجع برخورد کرد که او آهسته‌آهسته قدم برمی داشت. حضرت فرمود: «پیرزنان به بهشت نمی‌روند» و از کنار او گذشت. پیرزن با شنیدن این سخن سخت منقلب شد و به گریه افتاد. طولی نکشید که بلال؛ مؤذن سیاه‌پوست پیامبر که از آنجا می‌گذشت، پیرزن را گریان دید و ناراحت شد. آنگاه به حضور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسید و داستان نگرانی و گریه پیرزن را برای ایشان شرح داد. آن حضرت فرمود: «اتفاقاً سیاه‌پوست هم داخل بهشت نمی‌شود!» بلال سیاه‌پوست وقتی این سخن را شنید و با پیرزن در میان گذاشت، خود و پیرزن هر دو به گریه و زاری پرداختند. پیرزن و بلال همچنان گریه می‌کردند که عباس، عموی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، وضع آنان را برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شرح داد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عباس فرمود: «اتفاقاً پیرمردان هم به بهشت نمی‌روند.» بدین ترتیب، عباس نیز ناراحت شد.

پس از چند لحظه، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، پیرزن و بلال و عباس را نزد خویش فراخواند و برای خوشحال کردن آنان فرمود:

خداوند، به افراد آفرینشی جدید می‌بخشد و آنان را بهتر از آنچه بوده‌اند، می‌گرداند. آنان داخل بهشت می‌شوند، درحالی‌که جوان و سفید و نورانی هستند. افرادی که وارد بهشت می‌شوند، اندام و بدن‌های تمیز و صورت‌های بی‌مو و چشم‌های سرمه‌کشیده دارند. (کاشانی، ۱۳۳۶: ۹ / ۱۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶ / ۲۹۵)

ارضای نیازهای عاطفی و آرامش روان و همچنین استمرار و بقای نسل از جمله کارکردهای انگیزشی نیاز جنسی است که در روان‌شناسی به آن پرداخته شده است. در روایات اسلامی نیز به نیازهای جنسی و اهداف آن در جهت بقای نسل و تأمین سلامت روانی فرد اشاره شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۳۴۷؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۴ / ۱۷۴ و ۱۵۳) و کارکردهای انگیزشی آن در آموزه‌های دینی به‌عنوان یک عامل قدرتمند، پذیرفته شده است.

نیاز به ارتباط و تعامل با دیگران و نیز نیاز به دوستی از دیگر نیازهای مهم انسان هستند و در زمره نیازهای روانی قرار می‌گیرند. نیاز به ارتباط به ویژگی اجتماعی بودن انسان اشاره دارد؛ زیرا انسان‌ها در اجتماع و با تعامل و ارتباط با یکدیگر می‌توانند حیات خود را ادامه دهند و کیفیت زندگی خود را بهبود بخشند. علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «مبنای رفتار اجتماعی، نیاز به ارتباط با دیگران است.» (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۱۸ - ۱۳)

خدای متعال انسان‌ها را به‌گونه‌ای آفریده است که وقتی نیازها و مصالح یکدیگر را تأمین می‌کنند، رفته‌رفته رابطه‌ای عاطفی بین آنها شکل می‌گیرد. این عاطفه به شکلی نیرومند، طبیعی و غریزی بین روابط زن و شوهر، روابط پدر و مادر و فرزندان و پس از آن میان افراد اجتماع به‌وجود می‌آید؛ یعنی پس از اینکه انسان‌ها به حکم عقلشان برای تأمین نیازهای مادی و معنوی خود، هم‌زیستی اجتماعی و زندگی مشترک را در جامعه آغاز کردند، در سایه این هم‌زیستی متقابل، عواطف متقابلی نیز میان آنان پدید می‌آید؛ زیرا وقتی شخصی احساس کند که انسان‌های دیگر، خدماتی را به نفع او انجام می‌دهند و نیازهای وی را در زندگی اجتماعی برطرف می‌کنند، عواطف و محبت وی درباره آنان برانگیخته می‌شود. (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۸: ۳۲۹)

همان‌طور که در قسمت قبل اشاره شد؛ یکی دیگر از انگیزه‌های اصلی رفتار انسان، انگیزه لذت‌طلبی و میل به کام‌جویی، رفاه و سعادت‌خواهی است. علامه طباطبایی در مورد وجود این میل فطری در انسان می‌نویسد:

انسان در هر عملی که انجام می‌دهد لذتی را در نظر می‌گیرد که یا لذت مادی و بدنی است، مانند لذت طعام، شراب، نکاح و امثال آن و یا لذت فکری است مانند لذت دوا، ترقی، انس، مدح، فخر، نیک‌نامی، انتقام، ثروت، امنیت و صدها نظایر آن. این لذایذ است که عمل و متعلقات عمل انسان را در نظر انسان زینت می‌دهد و خدا هم به‌وسیله همین لذایذ آدمی را تسخیر کرده، اگر این لذایذ نبود بشر در صدد انجام هیچ عملی برنمی‌آمد و در نتیجه آن نتایجی را که خدا از خلقت انسان در نظر داشته و همچنین نتایج تکوینی از قبیل بقای شخص و دوام نسل حاصل نمی‌شد، اگر در خوردن و آشامیدن و زناشویی لذتی نمی‌بود، هیچ‌وقت انسان حاضر نمی‌شد برای رسیدن به آن، این همه رنج و زحمت بدنی و ناملایمات روحی را تحمل کند و در نتیجه نظام زندگی مختل می‌شد و افراد از بین رفته، نوع بشر منقرض می‌گشت و حکمت تکوین و ایجاد بدون شک لغو می‌گردید. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷ / ۴۳۵)

با توجه به آنچه که در بالا بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که نیاز جنسی و نیاز به ارتباط و دوستی،

میل به لذت‌جویی و عواطف انسانی و میل به آرامش و سعادت، همه از مواردی است که خدای متعال آنها را به هنگام بشارت‌دادن به همسران پاک بهشتی، مورد توجه قرار داده است.

۳. خلود در بهشت

بهشتیان در بهشت زندگی جاودانه خواهند داشت: «هُمُ فِيهَا خَالِدُونَ» و از نعمت‌های جاودان بهشتی که آثار آنها در جان و روان و نیز در چهره و صورت آنان جلوه‌گر است نیز بهره‌مند خواهند بود. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «هر نعمتی زوال و نابودی دارد، مگر نعمت اهل بهشت». (انصاری قمی، ۱۳۹۳: ۳۷۱۴)

توجه به این نکته لازم است که در دنیا هر چند که انسان دارای نعمت فراوان باشد اما هنگامی که فکر نابودشدن آنها را می‌کند، خاطرش پریشان و آزرده می‌گردد، به‌همین دلیل نعمت‌های دنیوی نمی‌توانند آرامش‌آفرین باشند در حالی که نعمت‌های بهشتی فناپذیر هستند و زوالی ندارند و به‌همین جهت کامل و آرامش‌بخش هستند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۸ / ۲۳۵)

بشارت به زندگی جاودانه بهشتی و متنعم‌شدن از نعمت‌های بی‌زوال آن با توجه به وجود نیازها و امیال متعددی که در انسان وجود دارد؛ مطرح شده است که در ادامه تعدادی از آنها بیان می‌گردد:

میل به جاودانگی و بقا: انسان به‌طور فطری میل دارد که باقی بماند و زندگی جاودانه داشته باشد. به‌همین دلیل می‌توان گفت که ترس از مرگ و گرایش به داشتن زندگی طولانی، خود نشانه وجود میل به بقا در انسان است. در روان‌شناسی اسلامی در مورد وجود این میل در انسان این‌گونه آمده است:

از آنجا که حبّ ذات از غرایز اصلی و تمایلات مسلّم انسان است و هر کسی به‌طور قطع، خودش را دوست دارد، بقا و جاودانگی خود را نیز دوست دارد ... انسان به‌شدت مشتاق آن است که وجودش دوام داشته باشد و جاودانگی را طلب می‌کند. بنابراین به‌طور بدیهی، طبیعی‌ترین اثری که بر حبّ ذات مترتب می‌شود؛ حبّ بقا و میل به زندگی جاودانه است و هر انسانی بالفطره و در نهاد خود، این غریزه را دارا خواهد بود. (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۶: ۲ / ۱۵۳)

همچنین از آنجا که انسان، خود را دوست دارد؛ مشتاق آن است که وجودش دوام داشته باشد و فطرتاً جاودانگی را طلب می‌کند و به این منظور برای ایمنی یافتن از عوامل تهدیدکننده، بسیار تلاش می‌کند. در آیات مختلفی از قرآن کریم نیز با عبارت‌هایی متفاوت به وجود این میل در انسان اشاره شده است. (اعراف / ۲۰؛ طه / ۱۲۰؛ جمعه / ۸)

نیاز بازگشت به سوی اصل: از نظر دین، اصل و ریشه انسان خدا است و انسان باید از خود طبیعی و

ارتباط با جهان ماده فراتر رود و خود را به خدا تسلیم کند. تا زمانی که نیاز بازگشت به سوی اصل در انسان ارضا نشود؛ میل و طلب در سراسر وجود او باعث اضطراب و تنش می‌شود و تنها زمانی اطمینان، آرامش و رضایت خاطر در وجود او جریان می‌یابد که به اصل و مبدأ خویش؛ یعنی به خدا بازگردد. (شجاعی، ۱۳۹۱: ۱۲۷) اعتقاد به آخرت و این که انسان بداند که نتیجه کارهای خوب و بدی که انجام می‌دهد به خود او باز می‌گردد، سبب می‌شود تا در رفتار و عملکردهای خود بیشتر دقت نماید و این امر باعث می‌شود تا او از سلامت روانی بیشتری نیز برخوردار گردد. (شجاعی، ۱۳۸۵: ۳۵۰)

نیاز به ایمنی جویی و آسیب‌گریزی: از دیگر نیازهای روانی انسان، نیاز به ایمنی‌جویی و آسیب‌گریزی است. یکی از مصداق‌های این نیاز ایمنی‌جویی معنوی است. ایمنی‌جویی معنوی به نیاز فرد به یک حامی فرابشری و مصونیت از وسوسه‌های شیطانی اشاره دارد. از نظر اسلام انسان اگر به حال خود رها شود؛ آسیب‌پذیر خواهد بود و به راحتی در دام هوس‌های شیطانی گرفتار می‌شود. ترس از نفس اماره، گناه و عذاب الهی نیز با نیاز به ایمنی‌جویی در ارتباط است. (شجاعی، ۱۳۹۱ / ۱۲۱)

بنابراین باید گفت که بیان جاودانه‌بودن زندگی بهشتی و فناپذیری نعمت‌های آن در قرآن، (بقره / ۲۵) با توجه به نیاز انسان به بازگشت به سوی اصل، نیاز به ایمنی‌جویی و آسیب‌گریزی، میل به جاودانگی و بقا مطرح شده است.

۴. ملحق شدن بستگان اهل بهشت به آنها

یکی دیگر از بشارت‌های خدای متعال به اهل بهشت، ملحق شدن بستگان ایشان به آنها است. خدای متعال در آیه ۲۳ سوره رعد می‌فرماید که افراد صالح یک خانواده در بهشت عدن در کنار هم خواهند بود و فرشتگان از هر دری برای تهنیت‌گویی بر آنها وارد می‌شوند؛ به عبارت دیگر افرادی از یک خانواده که صالح باشند و در مسیر حق، بین آنها همبستگی و صمیمیت وجود داشته باشد، وارد بهشت مخصوص می‌شوند.

دلیل ذکر چنین بشارت و پاداشی برای اهل بهشت، وجود نیاز به ارتباط و دوستی در انسان است؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد؛ انسان‌ها در ارتباط‌های اجتماعی خود و در تعامل با دیگران، نه تنها نیازها و مصالح یکدیگر را تأمین می‌کنند بلکه به این وسیله محبت و عاطفه نیز میان آنها برانگیخته می‌شود. بدیهی است که ملحق شدن بستگان اهل بهشت به آنها در حقیقت برای تکمیل نعمت‌های الهی بر آنان است تا هیچ کمبودی حتی از نظر فراق افراد مورد علاقه خود نداشته باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰ / ۱۹۵)

نکته‌ای که در برخی از تفاسیر مورد توجه قرار گرفته، این است که عبارت جَنّات و جَنّت، ۱۲۷ مرتبه در قرآن تکرار شده است اما از میان آنها تنها در ۱۱ مورد به «جَنّاتُ عَدْن» تعبیر شده است. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۴ / ۳۴۵) اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌گردد که بدانیم «عَدْن» به معنای استقرار است و

«جَنَاتُ عَدْنٍ» به معنای بهشت‌های مخصوصی است که نوعی از استقرار و خلود را از یک سو و سلامتی و ایمنی از هر جهت را از سوی دیگر دربر دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱ / ۳۴۶)

۵. سلام: امنیت و سلامت

یکی از امتیازهای بی‌نظیر قرآن، بیان پرمحتواترین مطالب در قالب ساده‌ترین و مختصرترین کلمات است. عبارت «سلام» یکی از این عبارات است که بسیار کوتاه و آسان اما بسیار رسا است. سلام به معنای «امنیت و سلامت از هر بیماری و آفت ظاهری و باطنی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۱)، «مصون ماندن از هر آن چیزی که موجب وحشت و ناراحتی می‌شود و مانع سعادت گردد» (قرشی، ۱۳۷۱: ۶ / ۳۰۴) و نیز به معنای «اعلام امنیت از تعدی و ظلم از ناحیه سلام‌دهنده به شخصی که به وی سلام می‌دهد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵ / ۴۷) است.

این عبارت حدود ۳۰ بار در قرآن تکرار شده است و پیام آن سلامت، احترام، تبریک، دعا، امان و تهنیتی است که از سوی خدا و فرشتگان او شامل انبیاء و مؤمنین شده است. در این بخش به مواردی از آنها اشاره می‌شود.

یک. سلام خدا بر اهل بهشت

در برخی از آیات قرآن کریم، مؤمنین و متقین به عنوان الگوهایی برای انسان‌ها معرفی شده‌اند که در آخرت و هنگام ملاقات پروردگارش، از جانب او مورد تحیت و سلام واقع می‌شوند؛ به این معنا که در امنیت و سلامتی خواهند بود و از سوی خدا هیچ ظلم و تجاوزی به آنها نخواهد شد و مکروه و عذابی به آنها نمی‌رسد. (همان)

بدیهی است که عظمت چنین سلامی که از سوی خدای رحیم بر بندگان مؤمن او فرستاده می‌شود، قابل وصف نیست: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس / ۵۸) این سلام پروردگار که نثار الگوهای سالم و مؤمنان بهشتی می‌شود، سلامی است مستقیم و بی‌واسطه، سلامی است از ربّ و پروردگار آن هم سلامی که از رحمت خاصه او؛ یعنی مقام رحیمیتش سرچشمه می‌گیرد و تمام الطاف و کرامات در آن جمع است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۴۲۰)

دو. سلام فرشتگان بر اهل بهشت

مؤمنین سرانجامی نیک و عاقبتی خیر خواهند داشت؛ هم خودشان و هم پدران و همسران و فرزندان صالح آنها وارد بهشت خواهند شد و فرشتگان از هر دری بر آنها وارد شده و به‌خاطر صبر و استقامتشان

در برابر انجام وظایف و مسئولیت‌هایشان و نیز تحمل سختی‌ها، به آنها سلام می‌دهند و امنیت و آرامش را به آنها مژده می‌دهند. (رعد / ۲۴)

نکته مهم این است که در آیه فوق، دلیل سلامی که فرشتگان نثار بهشتیان می‌کنند، صبر است. بهترین توضیح برای آن، کلام حضرت علی علیه السلام است که می‌فرماید: «بر شما باد صبر که صبر نسبت به ایمان مانند سر است در مقابل تن، تن بی‌سر بقایی ندارد و ایمان بدون صبر نیز، ارزشی نخواهد داشت.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۸۲)

در روایات نقل شده از معصومین علیهم السلام آمده است که گروهی از مردم قبل از رسیدگی به حساب، به بهشت می‌روند. وقتی فرشتگان، علت را سؤال می‌کنند، جواب می‌شنوند که: «ما در دنیا بر اطاعت خدا و بر مشکلات و مصائب صبر می‌کردیم و اهل شکیبایی بودیم»، فرشتگان با شنیدن جواب، با «سلام علیکم» از آنان استقبال می‌کنند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۹ / ۳۱۳) آری بهشتیان به دلیل صبر و استقامتشان در حالی وارد بهشت می‌شوند که درهای آن از قبل برای آنها گشوده شده است و در این هنگام خازنان و نگهبانان بهشت، آن فرشتگان رحمت به آنها می‌گویند: «سلام بر شما! گوارا باد این نعمت‌ها برایتان، داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید.» (زمر / ۷۳)

سه. سلام، شعار بهشتیان

به استناد آیات قرآن، مؤمنین سعادتمند خواهند شد و به اذن پروردگارشان با احترام و تشریفات به بهشت برده خواهند شد و در باغ‌های آن جاودانه خواهند زیست. آنها در آنجا در کمال صفا و صمیمیت خواهند بود و یگدیگر را مورد تحیت و درود قرار می‌دهند. (ابراهیم / ۲۳)

در آنجا نه تنها از نزاع و قهر خبری نیست، بلکه رابطه‌ای سرشار از محبت بین آنها حکم فرما است. آنچه که در آیه فوق باید مورد دقت قرار بگیرد، این است که از میان همه واژگانی که امکان داشت برای درود و تحیت به کار رود، از بهترین آنها؛ یعنی واژه «سلام» استفاده شده است. از نظر علامه طباطبایی دلیل این امر آن است که کلمه سلام تحیتی است که گسترش صلح و سلامت و امنیت در بین دو نفر که به هم برمی‌خورند را اعلام می‌دارد، البته صلح و امنیتی که نسبت به دو طرف مساوی و برابر است و مانند تحیت‌های عصر جاهلیت قدیم و جدید علامت تذلل و خواری زیر دست نسبت به ما فوق نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵ / ۵۱)

نیاز انسان به خودارزشمندی و عزت‌نفس یکی از مواردی است که در آیات سلام مورد دقت قرار گرفته است. با توجه به پیام‌ها و اثرهایی که در مورد واژه سلام مطرح گردید، می‌توان گفت که بشارت خدای حکیم به مؤمنین و در آیات سلام، با توجه به نیاز انسان به خودارزشمندی و عزت‌نفس بوده است.

همچنین نیاز انسان به ایمنی جویی و آسیب‌گریزی، نیاز بازگشت به سوی اصل و وجود میل به جاودانگی و بقا در انسان، از دیگر عواملی هستند که در آیات سلام مورد توجه قرار گرفته‌اند.

نعمت‌های بهشتی ناظر بر زمینه‌ها و عوامل بیرونی مؤثر بر رفتار

۱. یافتن نور ایمان و هدایت

یک گروه از مؤمنانی که خدای متعال وعده بهشت را به آنها داده است، آنهايي هستند که در راه خدا قرض نیکو می‌دهند.

قرض در لغت به معنای «بریدن و قطع کردن، عبور کردن و گذشتن است و نیز به مقداری از مال که انسان به دیگری می‌دهد به شرطی که عوض آن را بازپس گیرد، اطلاق می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۶۷) و عمل قرض دادن را از این جهت قرض می‌نامند که انسان مقداری از مال خود را بریده و به دیگری می‌دهد.

خدای کریم نیز به کسانی که در راه او قرض نیکو می‌دهند، اجر کریم عطا می‌کند و آن اجر کریم را در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حدید این‌گونه توصیف می‌کند:

کیست کسی که به خدا «قرض الحسنه‌ای» وام دهد، تا آن را برایش بیفزاید و پاداش ارجمندی برای او باشد؟! روزی که مردان با ایمان و زنان با ایمان را می‌بینی درحالی که نورشان پیش‌رویشان و در سمت راستشان شتابان می‌رود (و فرشتگان به آنان می‌گویند): امروز مژده باد بر شما! به بوستان‌های (بهشتی) که نهرها زیر [درختان] اش روان است؛ درحالی که در آنجا ماندگارند؛ تنها آن کامیابی بزرگ است.

همان‌گونه که در قبل بیان شد؛ یکی از پاداش‌های مؤمنین، باغ‌هایی در بهشت است که از زیر درختانش نهرها جاری است، در این آیه خدای متعال پاداش قرض‌دهندگان در راه خود را به اجر کریم توصیف کرده است و منظور از اجر کریم دو بشارت دیگری است که خدای حکیم آن را در ادامه آیه این‌گونه بیان فرموده است:

یک. «يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ»

در این عبارت تابیدن نور با واژه «يسعى» از ماده سعی به معنای تند راه رفتنی که از دویدن آرام‌تر است بیان شده است و به گفته راغب اصفهانی «این کلمه به طور استعاره در جدیت و کوشش در کار استعمال می‌شود چه کار خیر باشد و چه شر». (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ۲ / ۲۲۱)

درواقع غرض خدای کریم با آوردن چنین عبارتی این است تا بگوید کسانی که در راه او و برای او

قرض نیکو دهند، در آخرت به‌سوی درجاتی از بهشت می‌شتابند درحالی‌که هر لحظه و یکی پس از دیگری درجات و جهات سعادت و مقامات قرب برایشان روشن می‌گردد تا جایی که دیگر نورشان (نور ایمان و هدایت) به حد تمام و کمال برسد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۲۷۳)

توضیح آنکه در روز قیامت، عقاید و اعمال انسان تجسم می‌یابد و ایمان که همان نور هدایت است در مؤمنان به‌صورت روشنایی و نور ظاهری تجسم می‌یابد، همان‌گونه در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

مؤمن هرگاه از قبر خود بیرون آید، عملش به‌صورتی زیبا در برابرش مجسم می‌شود. مؤمن به او می‌گوید: تو کیستی؟ به خدا قسم که تو را شخص خوب و درستی می‌بینم! او می‌گوید: من کردار تو هستم. پس برای او نوری می‌شود یا راهبری به‌سوی بهشت. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۷ / ۴۰)

مهم آنکه هر آنچه که ایمان انسان در مرتبه‌ای قوی‌تر و بالاتر باشد، نور بیشتری خواهد داشت؛ (زیرا این نور الهی از ایمان و عمل صالح نشأت می‌گیرد، همان‌گونه که کفر که همان تاریکی مطلق است به صورت ظلمت ظاهری مجسم خواهد شد.

در تفسیر نورالثقلین آمده است که «يُقَسَّمُ النُّورَ بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ قَدْرَ إِيمَانِهِمْ (حویزی، ۱۴۱۵: ۵ / ۲۴۱)؛ نور در میان مردم در روز قیامت، به اندازه ایمانشان تقسیم می‌شود».

دو. «ذَلِكَ هُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ»

این عبارت نیز خود، بشارتی در جهت تکمیل و تأیید بشارت‌های قبلی است و مبین آن است که از پیش‌رفتن و از سمت راست‌رفتن نور آنان و نیز بشارت‌دادن آنها به بهشت، خود، رستگاری بزرگی است و قرارگرفتن آنها در جوار رحمت الهی، همان رستگاری واقعی است که از آن بهره می‌برند و در قیامت جلوه می‌کند.

بنابراین با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت؛ مؤمنانی که برای خدا و در راه خدا وام نیکو دهند؛ از الگوهای سالم رفتاری هستند و اشاره به کمال نور ایمان و هدایت، رستگاری و قرارگرفتن در جوار رحمت الهی که به‌عنوان پاداش این کار برای آنها ذکر شده است؛ نشان‌دهنده این مطلب است که این الگوهای سالم براساس نیاز به خودشکوفایی، نیاز بازگشت به‌سوی اصل، میل به کمال و میل به سعادت‌خواهی به انجام کار خیر و شادکردن دیگران ترغیب شده‌اند و به این وسیله، خود نیز شاد و مسرور گردیده‌اند.

۲. جاری بودن نهرها از زیر درختان باغ‌های بهشتی

در بهشت باغ‌هایی با درختان پر از میوه وجود دارد و از زیر این درختان نهرهای آب در جریان است:

«جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ».

باغ‌هایی که طراوت همیشگی دارند و همیشه از خود آب در اختیار دارند و آب آنها هرگز قطع نمی‌شود تا خشکسالی و کمبود آب، طراوت آنها را تهدید کند. درحالی‌که باغ‌هایی که باید از خارج از آنها برایشان آب آورد، طراوت چندانی ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۳۹)

همچنین از دیگر صحنه‌های زیبای بهشتی، تخت‌های زینت‌شده‌ای است که خدای متعال در قرآن با واژه‌های «أرائك» و «سُرر» آنها را معرفی نموده است. این تخت‌ها برای نشستن و تکیه‌زدن بهشتیان زیر سایه درختان و کنار چشمه‌ها و جوی‌بارها است و آنها می‌توانند زیبایی‌های طبیعی بهشت را ببینند و لذت ببرند.

باید گفت که گرچه در این آیات، بیشتر وصف بهشتیان تخت‌نشین مورد توجه است، اما به‌گونه‌ای می‌توان به ویژگی‌های این تخت‌ها نیز پی برد:

یک. تخت‌های مناسب برای نشستن و تکیه‌زدن: «مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا».^۱ (دهر / ۱۳)

از ابن عباس نقل شده است که «این تخت‌های بلند به‌گونه‌ای است که وقتی صاحبان آن اراده کنند بر آنها بنشینند، تخت‌ها پایین می‌آیند و پس از آنکه افراد بر آن قرار گرفتند، باز به حالت اول و بلندی برمی‌گردند.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۴۷۹)

دو. تخت‌های بلند و گران‌بها: «فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ» (غاشیه / ۱۳)

در روایات آمده است که این تخت‌های بلند چنان است که وقتی صاحبان آنها اراده نشستن بر آن کنند فرود می‌آید و پس از نشستن به حال نخست باز می‌گردد. (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۶ / ۴۹۰) البته این احتمال نیز وجود دارد که وصف «مَرْفُوعَةٌ» اشاره به گران‌بها بودن این تخت‌ها باشد به‌طوری‌که برخی نیز آنها را از قطعات طلا و مزین به زبرجد و یاقوت شمرده‌اند. (میبدی، ۱۳۷۱: ۱۰ / ۴۷۱)

سه. تخت‌های روبه‌روی هم: «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ».^۲ (حجر / ۴۷)

از رسول خدا ﷺ در تفسیر «عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ» نقل شده است که هیچ‌کس پشت سر دیگری را نمی‌نگرد. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۷ / ۲۲۳، بحرانی، ۱۴۱۶: ۳ / ۳۷۴) برخی این روایت را کنایه از آن دانسته‌اند که در آنجا در پی عیب‌جویی از یکدیگر نیستند؛ چون کینه‌ها از دلشان بیرون رفته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۱۷۷)

۱. درحالی‌که در آن (بهشت) بر تخت‌ها تکیه زده‌اند [و] در آنجا هیچ (گرمای سوزان) خورشید و سرمای شدید نمی‌بینند.
۲. و آنچه در دل‌هایشان از کینه دارند، بر می‌کنیم، برادرانه بر تخت‌هایی رویاروی هم‌اند.

حال باید پرسید که چرا خدای حکیم، در توصیف بهشت به بیان چنین ویژگی‌هایی پرداخته است؟ در پاسخ باید گفت که جاذبه‌ها و مشوق‌ها از جمله عواملی هستند که بر رفتار انسان، تأثیر می‌گذارند و به ویژگی‌هایی اشاره دارند که در محیط وجود دارد و فرد را به سوی رفتار خاصی می‌کشاند یا از آن دور می‌کند. البته باید اشاره کرد که جاذبه‌ها و مشوق‌ها خود موجب رفتار نمی‌شوند، بلکه بر احتمال این که رفتاری محقق شود یا نه، اثر می‌گذارند. بر همین اساس جاذبه‌ها و مشوق‌ها به دو نوع جاذبه‌ها و مشوق‌های مثبت و منفی تقسیم می‌شوند. جاذبه‌ها و مشوق‌های مثبت، به آن دسته از ویژگی‌های محیطی اطلاق می‌شود که به نوعی برای فرد، خوشایند و لذت‌بخش است. این جاذبه‌ها شامل جاذبه‌های طبیعی، جاذبه‌های بیانی - رفتاری و جاذبه‌های معنوی هستند.

رنگ‌ها، منظره‌های دل‌انگیز، صدای خوش، جاذبه‌های جسمی، لبخند، حضور دوستان و ... نمونه‌هایی از جاذبه‌ها و مشوق‌های مثبت طبیعی و همه آنها از نظر انسان، زیبا هستند و مسلم است که افراد، علاقه‌مند به زیبایی‌اند و نسبت به محیط‌های دل‌انگیز و اشیای زیبا گرایش دارند، چنانچه در آیات و روایات نیز به تأثیر و کارکردهای انگیزشی مناظر طبیعی در گرایش‌ها و رفتارها اشاره شده است. خدای متعال در قرآن کریم برای تشویق و تقویت شکرگزاری و عبادت، به توصیف نعمت‌های خود پرداخته و توجه افراد را به زیبایی‌های دل‌انگیز آن جلب کرده است. یکی از حکمت‌هایی که خدا در قرآن به توصیف و تجسم شگفتی‌ها و بیان مناظر زیبای بهشتی پرداخته و از درختان سرسبز و طبیعت زیبای آن یاد کرده، شاید تحریک افراد برای پذیرش حقایق و تقویت روحیه دینداری در آنها باشد. (شجاعی، ۱۳۹۱: ۱۸۱)

این در حالی است که نوعی دیگر از جاذبه‌ها که به جاذبه‌های معنوی معروف هستند و آرمان‌های فرد را تشکیل می‌دهد (همان: ۱۸۵) بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارند، به عبارت دیگر می‌توان گفت که یک سلسله گرایش‌های خاص در انسان وجود دارد که او به نوعی برای آنها قداست، برتری و سطح عالی قائل است. این گرایش‌ها مادی نیستند، بلکه جاذبه‌های معنوی هستند و انسان را به سوی کانون‌های غیر مادی می‌کشاند. (بخشی، ۱۳۸۰)

نتیجه

قرآن کریم، برنامه‌های تربیتی خود را در قالب آیات مختلف و شیوه‌های متنوع، متناسب با نیازها، امیال و ویژگی‌های انسان، ارائه کرده است تا انسان‌ها با به کار بردن آنها به سعادت و تکامل برسند. انذار و تبشیر یکی از این شیوه‌های تربیتی است که با بیان برخی از اعمال و ترسیم نتیجه آنها، انسان‌ها را در مورد

عواقب سوء رفتار بیم می‌دهد و به آنها در مورد رفتارهای نیکو، نوید آثار نیکو می‌دهد، تا به این وسیله، انگیزه انسان، نسبت به انجام کارهای نیک و ترک کارهای ناپسند، تقویت گردد و به کمال و قرب الهی نزدیک گردد. ارتباط میان بشارت‌های قرآن به بهشت و زمینه‌های انسان‌شناختی رفتار در این مجال، مورد بررسی و پژوهش قرار گرفت و بر این اساس می‌توان گفت که گروهی از آیات قرآن کریم، افراد و گروه‌هایی خاص را مخاطب قرار داده و آنها را به بهشت و نعمت‌های آن از قبیل جاری بودن نهرهای آب از زیر درختان بهشتی، ارتزاق از میوه‌های بهشتی، همسران پاکیزه بهشتی، خلود در بهشت و سلام‌های بهشتی بشارت داده است.

هدف خدای حکیم از بیان این تبشیرها با توجه به زمینه‌ها و عوامل درون فردی و برون فردی مؤثر بر رفتار و انگیزه‌های رفتاری انسان که شامل نیاز به تغذیه، میل به لذت‌جویی، جاذبه‌های جنسی، جاذبه‌های طبیعی، نیاز به ایمنی جویی و آسیب‌گریزی، میل به بقا و جاودانگی، نیاز به خودارزشمندی و عزت‌نفس، الگوها و مشوق‌ها می‌باشند؛ این است که انسان‌ها با استفاده از این آیات و آشنایی با فضایل اخلاقی و تقویت انگیزه‌های معنوی و با توجه به اصل بازگشت به سوی خدا و رعایت تقوا و پرهیزکاری در زمره کسانی قرار بگیرند که خداوند، آنان را یاری می‌نماید. به این وسیله است که آنها می‌توانند ترس و حزن را از خود دور سازند و به آرامش و ثبات قدم دست پیدا کنند. این افراد در آخرت نیز از نعمت‌های جاودان و فناپذیر بهشتی بهره خواهند برد و مشمول رحمت و رضای الهی قرار خواهند گرفت.

همچنین با توجه به آنچه که در این تحقیق انجام شده است؛ پیشنهادهای زیر، جهت گسترش استفاده از روش تبشیر مبتنی بر قرآن، در مسائل تربیتی ارائه می‌گردد:

۱. تبشیرهای قرآن براساس سه حیطة شناختی، عاطفی و رفتاری انسان، به‌طور جداگانه مورد تحقیق قرار گیرد.

۲. بررسی فراگیر زمانی و افرادی در مورد تبشیرهای قرآن انجام گردد و به این پرسش پاسخ داده شود که آیا در همه افراد یک یا چند ویژگی ثابت وجود دارد که در تمام حالات و زمان‌ها باعث بروز رفتاری یکسان شود یا خیر؟

۳. با استفاده از یافته‌های این پژوهش، یک الگوی تربیتی مناسب طراحی گردد و یافته‌های این پژوهش در سنین مختلف و مقاطع آموزشی و تحصیلی مختلف به‌طور جداگانه مورد آزمایش قرار گیرد.

۴. یافته‌های این پژوهش در موضوع‌های مختلف از قبیل حجاب، بهینه‌سازی کردن فضای مجازی، ساختار فیلم‌ها و ... مورد استفاده قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، گردآوری سیدرضی، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
- انصاری قمی، مهدی، ۱۳۹۳، کامل نهج الفصاحه، قم، نوید ظهور.
- بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۶ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، تهران، بنیاد بعثت.
- براندن، ناتانیل، ۱۳۸۰، روان‌شناسی عزت نفس، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران، نخستین.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، قم، اسماعیلیان.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب، ج ۱۷، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۸، مفردات الفاظ القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، مفردات ألفاظ القرآن، ج ۲، بیروت، دار القلم.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران، ۱۳۸۳، ترجمه قرآن، قم، دارالذکر.
- شجاعی، محمدصادق، ۱۳۸۵، دیدگاه‌های روان‌شناختی حضرت آیت‌الله مصباح یزدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- شجاعی، محمدصادق، ۱۳۹۱، انگیزش و هیجان؛ نظریه‌های روان‌شناختی و دینی، قم، سبحان.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۴، روابط اجتماعی در اسلام، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصرخسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، ج ۴، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصرخسرو.
- کاشانی، فتح‌الله، ۱۳۳۶، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.

- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، ۱۴۰۱ ق، *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۶، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸، *انسان سازی در قرآن*، تدوین محمود فتحعلی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مفضل بن عمر، بی تا، *توحید المفضل*، قم، داوری.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱، *کشف الأسرار و عده الأبرار*، ج ۱۰، تهران، امیرکبیر.
- نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۴، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، ۱۴۱۶ ق، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

